

# آرای منتخب مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

منتشر شده از سوی دادگستری کل استان تهران

## رای شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

مرجع صدور رأی: شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران  
خواهان: شرکت ..... با وکالت ..... به نشانی ..... و آقای ..... به نشانی .....  
خوانده: شرکت ..... با وکالت ..... به نشانی ..... و آقای ..... به نشانی .....  
خواسته‌ها: ۱. مطالبه خسارت دادرسی ۲. تامین خواسته ۳. مطالبه ارزش خارجی  
به تاریخ ..... پرونده کلاسه ..... در وقت فوق العاده در شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران زیر نظر است.  
نظر به محتویات پرونده پایان رسیدگی اعلام و به شرح زیر رأی صادر می‌شود:

### «رأی دادگاه»

آقای ..... و خانم ..... به وکالت از شرکت ..... دعوایی علیه شرکت ..... با وکالت بعدی آقایان ..... به خواسته مطالبه ۳۵۳/۳۵۴ یورو و مطالبه خسارت تاخیر وتادیه و خسارات دادرسی مطرح کرده و توضیح داده اند شرکت موکلشان تعهدات خود در قرارداد دست دوم پیمانکاری مورخ ۹ مارس ۲۰۱۰ را انجام داده و شرکت خوانده در اجرای ماده ۳۸ قانون تامین اجتماعی مبلغ ۶۵۴۳۵۳ یورو از مطالبات موکل را کم کرده است. پس از آن که مفاصا حساب تامین اجتماعی تحویل خوانده شد خوانده از استرداد مبلغ بالا امتناع کرد. شرکت موکل برای مطالبه بخشی از آن مبلغ (۳۰۰,۰۰۰ یورو) علیه خوانده دعوا اقامه کرد (به موجب دادنامه ۹۸۰۹۹۷۲۱۶۰۴۰۰۳۶۷ شعبه ۳۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران) حکم به محکومیت خوانده صادر وقطعی و محکوم به نیز گرفته شد. اکنون و از آنجا که خوانده باقیمانده طلب (۳۵۳/۳۵۴ یورو) را پرداخت نمی‌کند تقاضای صدور حکم به شرح خواسته بالا شده است. وکلای خوانده دفاع کرده‌اند: ۱- خواهان نسخه ای از قرارداد میان طرفین را ارائه کرده که ناقص است و مواد ۱۷ تا ۲۲ را دارد. ۲- برابر ماده ۲۲ قرارداد به اختلافات طرفین باید در مرکز مالی بین‌المللی دبی DIFC رسیدگی شود بنابراین و با وجود شرط داوری دادگاه نمی‌تواند به این دعوا رسیدگی کند؛ ۳- دادنامه صادر شده از شعبه ۳۹ به صورت غیابی صادر شده و نسبت به آن واخواهی خواهد شد؛ ۴- سهام شرکت موکل به طور کاملی به سهامداران جدید منتقل شده و قرارداد مربوط به پیش از نقل و انتقال سهام است و سهامداران جدید راجع به این قرارداد ابهاماتی دارند و از شرکت خواهان مستنداتی درخواست کردند که ارائه نشده است.

وکلاي خواهان پاسخ داده‌اند: ۱- دعوای حاضر بر اساس ماده ۳۸ قانون تامین اجتماعی اقامه شده و چون خواننده در اجرای این ماده قانونی مطالبات موکل را کم کرده این دعوا مستقل از قرارداد و به تبع آن مستقل از شرط داوری است؛ زیرا مطالبات موکل در این دعوا مطالبه ای قانونی است و نه قراردادی؛ ۲- چون هر دو شرکت ایرانی هستند به اختلاف طرفین باید بر اساس قوانین ایران و در دادگاه های ایران رسیدگی شود پس تعیین مرکز داوری دبی در قرارداد صحیح نبوده است؛ ۳- بر اساس ماده ۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی برای آن که داوری بین‌المللی باشد باید دست کم تابعیت یکی از طرفین خارجی باشد در حالی که در این دعوا هر دو شرکت ایرانی هستند؛ ۴- با توجه به تحریم‌های بین‌المللی و عدم امکان سفر به دبی برای اتباع ایرانی و انتقال وجه برای هزینه‌های داوری، در عمل امکان انجام داوری در خارج از ایران وجود ندارد.

وکلاي خواننده پاسخ داده‌اند: ۱- استناد به ماده ۳۸ قانون تامین اجتماعی باعث نمی‌شود که شرکت خواهان شرط داوری در قرارداد را نادیده بگیرد؛ ۲- استناد به ماده ۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی بی مورد است چون برابر ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی مدنی طرفین می‌توانسته‌اند چنان شرطی در قرارداد بگنجانند؛ ۳- خواهان اگر مدعی عدم اعتبار شرط داوری است باید ابتدا ابطال شرط داوری را می‌خواست سپس در دادگاه طرح دعوا می‌کرد؛ ۴- جلسات داوری به صورت غیرحضورى برگزار می‌شود و هزینه‌های داوری نیز از طریق صرافى قابل انتقال است. این شعبه چنین استدلال می‌کند و نظر می‌دهد:

یک- می‌بینیم که عمده مناقشات وکلای طرفین در اطراف صلاحیت دادگاه شکل گرفته است. پرداختن به این موضوع در آغاز اسباب رأی از این جهت ضرورى است و نیز از این لحاظ لازم است که صلاحیت به طور طبیعى بر بحث‌های ماهوى تقدم دارد.

دو- گرچه وکلای خواهان باید نسخه کامل قرارداد، که شرط داوری را نیز در خود دارد، پیوست دادخواست می‌کردند این شعبه کوتاهی ایشان در این خصوص را مبنای اعتبار شرط داوری و شمول آن نسبت به این دعوا قرار نمی‌دهد. این که ترس از اعتبار دادن به شرط داوری و صدور قرار در این دعوا باعث شده باشد تا ایشان ماده ۲۲ قرارداد (شرط داوری) را پیوست نکنند ممکن است موجب ناراحتی دادگاه (به جهت عدم رعایت صداقت) شود دادگاه نمی‌تواند این پرده‌پوشی را دلیل توجیهی اعتبار و شمول شرط داوری قرار دهد. با این همه باید به وکلا گفت: در هر دعوایی افشای هر آنچه که رخ داده صداقت است و پوشاندن برخی وقایع می‌تواند قرینه‌ای بر عدم اعتماد شما به حقانیت موکلان باشد.

سه- این که وکلای خواهان می‌گویند طلب موکلشان براساس ماده ۳۸ قانون تامین اجتماعی و فارغ از قرارداد است استدلال بدی نیست اما باید توجه کرد: این که خواهان مدعی است از خواننده طلب دارد یک مساله است و این که خواننده چرا طلب خواهان را نگه داشته یا نمی‌دهد مساله دیگری است. دادگاه باید ابتدا به طلبکار بودن خواهان بپردازد و اگر آن را احراز کرد می‌پردازد به این که آیا خواننده، حق داشته طلب را ندهد یا خیر. طلب

خواهان در این دعوا ناشی از قرارداد است و نه ناشی از ماده ۳۸؛ نقش ماده ۳۸ تنها این است که به خواننده مجوز داده تا زمان ارائه مفاد حساب تامین اجتماعی بخشی از مطالبات را نزد خود نگه دارد: سبب دعوای خواهان قرارداد است، ماده ۳۸ نمی تواند سبب دعوای خواهان را به سود او تغییر دهد تا از شرط داوری بگریزد.

چهار- این که وکلای خواهان می گویند هر دو شرکت تابعیت ایرانی دارند این نتیجه را می دهد که داوری وصف بین المللی پیدا نکند اما این نتیجه را نمی دهد که طرفین ایرانی نتوانند داوری خود را به مرجع بین المللی یا خارجی ارجاع دهند. برخلاف آنچه ایشان می گویند ماده ۴۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی برای طرفین ایرانی چنین محدودیتی ایجاد نکرده است.

پنج- این که وکلای خواهان می گویند به دلیل تحریم ها امکان انجام داوری در دبی وجود ندارد پذیرفتنی نیست زیرا: نخست- داوری می تواند به صورت غیر حضوری (ویدئو کنفرانس) برگزار شود؛ دوم- شرکتی که تنها بخشی از مطالباتش بیش از ۶۵۰ هزار یورو است می تواند در دبی وکیل بگیرد تا در داوری شرکت کند؛ سوم- شرکتی که چنین قراردادهایی منعقد می کند می تواند یا باید بتواند هزینه داوری را از طریق نمایندگان یا هر کسی که با او در دبی ارتباط دارد پرداخت کند؛ چهارم- شرکت هایی از این دست باید بتوانند تحریم را پیش بینی کنند بنابراین چنین فرض می شود که با علم به وقوع چنین تحریم هایی شرط داوری در قرار داد خود گنجانده اند: تحریم ها داوری در دبی را سخت کرده اند اما ناممکن نه.

شش- تا اینجا محرز است که شرط داوری صحیح و موضوع دعوا نیز در قلمرو صلاحیت داوران قرار دارد. با این همه یک چیز باقی می ماند: رأی شعبه ۳۹.

هفت- رأی شعبه ۳۹ چه تاثیری در این دعوا دارد؟ نخست- رأی راجع به بخش دیگری از همین مطالبات مورد بحث در این دعوا صادر شده است؛ دوم- محکومیت خواننده در دعوای پیشین به معنای شناسایی صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به اختلافات طرفین (دست کم در موضوع مورد بحث) است؛ سوم- رأی توسط خواننده اجرا شده و این یعنی خواننده به طور ضمنی از داوری عدول کرده و صلاحیت دادگاه را پذیرفته است؛ چهارم- چون قائل شدن به صلاحیت داور در این دعوا به معنای تجویز امکان صدور رأی متعارض از سوی داوران است و حال آن که دادگاه نمی تواند راه چنین تعارضی را باز کند رأی شعبه ۳۹ صلاحیت داورانی را از میان برده و یا به تعبیر دیگر باید صدور حکم از آن شعبه را چنین تلقی کرد؛ پنجم- رأی شعبه ۳۹ قطعی شده و دارای اعتبار امر قضاوت شده است، دادگاه ناگزیر از پذیرفتن نتایج بالا از این رأی است. بدین ترتیب و با کنار گذاشته شدن شرط داوری، صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به این دعوا احراز می شود. با وجود این یک ابهام باقی می ماند.

هشت- این که وکلای خواننده می گویند خواهان باید نخست شرط داوری را ابطال می کرد استدلال بدی نیست اما: نخست- چون مبنای کنار گذاشته شدن شرط داوری، رأی شعبه ۳۹ است سخن از بطلان یا ابطال شرط داوری وجهتی ندارد؛ دوم- برابر ماده ۴۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه می تواند به طور مستقل به شرط داوری

بپردازد بنابراین نیازی به درخواست ابطال شرط داوری نیست؛ سوم- شرط داوری چون امری مربوط به صلاحیت است و تشخیص صلاحیت نیز با دادگاه رسیدگی کننده است (ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی) دادگاه از سوی خود نیز می تواند به اعتبار یا عدم اعتبار شرط داوری یا شمول یا عدم شمول آن نسبت به موضوع دعوا بپردازد.

نه- در ماهیت دعوا تنها مناقشه ای که شکل گرفته انتقال سهام شرکت خوانده به سهامداران جدید پس از انعقاد قرارداد است. ایراد وکلای خوانده بر این مبنا پذیرفتنی نیست زیرا تعهدات قراردادی از سوی شرکت متبوع سهامداران و برای شرکت ایجاد شده و چون شخصیت شرکت مستقل از سهامداران است صرف انتقال سهام موجب نمی شود به اعتبار قرارداد خلل وارد آید.

ده- به اعتبار قرار داد میان طرفین خللی وارد نشده است. قرارداد برابر مواد ۱۰، ۲۱۹ و ۲۲۰ قانون مدنی برای طرفین الزام آور است.

یازده- شرکت خوانده برابر نامه شماره WS۱۷۰۶۰۴ مورخ ۱۳۹۶/۰۴/۱۱ به بدهکار بودن خود به خواهان اقرار کرده است. شرکت برابر ماده ۱۲۷۵ قانون مدنی ملزم به اقرار خود است.

دوازده- یورو نیز وجه رایج است و خسارت تاخیر تادیه از نظر مبانی ارتباطی با نوع وجه ندارد چون هر وجه حتی ارز در گذر زمان و به دلیل تورم دچار کاهش ارزشی می شود پس درمورد یورو هم می توان خسارت تاخیر تادیه در نظر گرفت. بنا به مراتب مستند به مواد قانونی پیشین گفته مواد ۱۹۸، ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به محکومیت خوانده به پرداخت ۳۵۴/۳۵۳ یورو اصل خواسته، خسارت تاخیر و تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست (۱۳۹۹/۰۸/۲۹) تا تاریخ اجرای حکم (که توسط واحد اجرای احکام بر اساس نرخ جهانی یورو محاسبه خواهد شد) و پرداخت ۱۳۴,۷۲۵,۶۴۴ ریال هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل برابر تعرفه قانونی به خواهان صادر می شود. این رأی حضوری و مستند به مواد ۳۳۱ و ۳۳۶ همین قانون ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ در دادگاه تجدید نظر استان تهران قابل تجدیدنظرخواهی است.

رئیس شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران- امیرحسین رضائی نژاد

## رأی شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

مرجع صدور رأی: شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

خواهان: شرکت ..... با وکالت ..... به نشانی .....

خوانده: شرکت ..... به نشانی .....

خواسته: ۱. مطالبه وجه بابت ... ۲. مطالبه خسارت دادرسی ۳. مطالبه خسارت تاخیر تادیه  
به تاریخ ..... پرونده کلاسه ..... در وقت فوق العاده در شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران زیر نظر است.  
نظر به محتویات پرونده پایان رسیدگی اعلام و به شرح زیر رأی صادر می شود:

### «رأی دادگاه»

آقای ..... به وکالت از شرکت ..... دعوایی علیه شرکت ..... به خواسته مطالبه وجه قراردادی (۱,۴۹۴,۹۳۵,۰۰۰ ریال) و خسارت تاخیر تادیه و خسارات دادرسی مطرح کرده و توضیح داده موکلش به موجب قرارداد شماره ۳۱۲۱/۱۰۱/ص/۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۵ متعهد به تهیه و نصب کابل های مخابرات برای خوانده شده به قیمت ..... ریال. پس از آن به درخواست خوانده میزان کار افزایش یافته و به قیمت ..... ریال رسیده است. اکنون و با وجود آن که موکل تمام تعهدات خود را انجام داده و کار نیز تحویل قطعی شده خوانده از پرداخت مطالبات موکل خودداری می کند بنابراین تقاضای صدور حکم به شرح خواسته بالا شده است. وکیل خواهان سپس در جلسه رسیدگی توضیح داده: موکل همکاری با خوانده را با پیش نویس قرارداد آغاز و بر این اساس دو فاکتور به مبالغ تقریبی ۴۵ و ۹۵ میلیون تومان صادر کرده که از این میزان تنها مبلغ ۲۰ میلیون به موکل پرداخت شده است. پس از این مدیران شرکت خوانده عوض می شوند و اعلام می کنند که باید قرارداد تنظیم شود و به همین علت راجع به کاری که پیش از این بر اساس فاکتور انجام شده بود قرارداد تنظیم می شود. نماینده خوانده سخنان وکیل خواهان را تایید کرده است. این شعبه چنین استدلال می کند و نظر می دهد: ۱- قرارداد مورخ ۲۵/۱۲/۱۳۹۷ برای طرفین بر اساس مواد ۱۰، ۲۱۹ و ۲۲۰ قانون مدنی الزام آور است. رونوشت صورتحساب مورخ ۱۶/۲/۱۳۹۷ نیز حکایت از وجود قرارداد میان طرفین دارد که بر اساس مواد قانونی پیش گفته برای ایشان الزام آور است؛ ۲- بر اساس قرارداد و صورتحساب باید مبالغ ..... ریال (با جمع مالیات و عوارض ..... ریال) و نیز ..... ریال باید توسط خوانده به خواهان پرداخت می شد؛ ۳- بر اساس صورتجلسه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۶ خواهان با تحویل قطعی به تعهدات خود عمل کرده است؛ ۴- خواهان پذیرفته که از مطالبات خود مبلغ ..... ریال را گرفته است؛ ۵- نماینده خوانده ادعای خواهان را پذیرفته است؛ ۶- اقرار نماینده خوانده در حق خوانده موثر است اما قاطع دعوا نیست (ماده ۲۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی). بنا به ترتیب مستند به مواد قانونی پیش گفته و ماده ۱۲۷۵ قانون مدنی و مواد ۱۹۸، ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به محکومیت خوانده به پرداخت ... ریال اصل خواسته

و پرداخت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست (۱۳۹۹/۹/۲۷) تا تاریخ اجرای حکم (که توسط واحد اجرای احکام بر اساس نرخ رسمی تورم محاسبه خواهد شد) و پرداخت هزینه دادرسی و حق الوکاله بر اساس تعرفه قانونی به خواهان صادر می‌شود. در خصوص خواسته خواهان مبنی بر مطالبه ..... ریال و نیز مطالبه خسارت تاخیر تادیه از تاریخ نامه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۷ تا تاریخ تقدیم دادخواست چون خواهان گفته که مبلغ پیش گفته را از خوانده گرفته است و چون نامه مطالبه وجه نه خطاب به خوانده بلکه خطاب به شرکت ..... نوشته شده حقی برای خواهان شناسایی نمی‌شود و مستند به ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به بی‌حقی خواهان صادر می‌گردد. رأی در هر دو بخش حضوری و مستند به مواد ۳۳۱ و ۳۳۶ همین قانون ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ در دادگاه تجدیدنظر استان تهران قابل تجدیدنظرخواهی است.

رئیس شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران - امیرحسین رضائی‌نژاد

## رأی شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

مرجع صدور رأی: شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران  
خواهان: شرکت ..... با وکالت ..... به نشانی .....

خوانده: شرکت ..... به نشانی .....

خواسته: مطالبه وجوه قراردادی و خسارت تاخیر تادیه و خسارات دادرسی

به تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۹ پرونده کلاسه ..... در وقت فوق‌العاده در شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران زیر نظر است.

نظر به محتویات پرونده پایان رسیدگی اعلام و به شرح زیر رأی صادر می‌شود:

### «رأی دادگاه»

آقای ..... به وکالت از شرکت ..... دعوایی علیه شرکت ..... به خواسته مطالبه وجوه قراردادی و خسارت تاخیر تادیه و خسارات دادرسی مطرح کرده و توضیح داده موکلش به موجب قرارداد شماره ۱۳۹۵/۶/۲-۰۳۲۰۵۷ خرید، نصب و راه‌اندازی سیستم مانیتورینگ ایستگاه‌های SCMH شرکت خوانده را در برابر ۷۵,۷۱۹,۵۵۴,۰۰۰ ریال برعهده گرفته و تعهدات خود را نیز انجام داده اما خوانده از پرداخت مبالغ صورت وضعیتی که موکل ارائه داده خودداری کرده بنابراین تقاضای صدور حکم به شرح خواسته بالا شده است. وکیل خواهان پس از فرستاده شدن اخطار رفع نقص از سوی دفتر شعبه بخشی از خواسته خود را ۶,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال اعلام و بیان کرده باقی طلب توسط کارشناس تعیین شود. نماینده خوانده دفاع کرده که: ۱- بهای خواسته تعیین نشده است؛ ۲- خواهان جهات استحقاق خود را بیان نکرده است؛ ۳- خواهان ادله‌ای که مثبت استحقاق او باشد را پیوست نکرده است؛ ۴- ادعای خسارت توجیه نشده است؛ ۵- برابر شیوه‌نامه حل اختلاف قراردادی صنعت نفت اختلاف ابتدا می‌بایست در هیأت پیش‌بینی شده در آن شیوه‌نامه ارجاع می‌شد که در اینجا چنین نشده پس دادگاه صلاحیت رسیدگی به دعوا را ندارد؛ ۶- خواسته خواهان منجز نیست زیرا عبارت «به طور کلی مطالبات شرکت موکل» نمی‌گوید خواهان چه مطالباتی دارد. وکیل خواهان پاسخ داده: ۱- برای میزان خواسته دفتر شعبه اخطار داده و میزان خواسته مشخص شده است؛ ۲- شیوه‌نامه وزارت نفت مربوط به اختلافات داخلی ایشان است و مانع از طرح دعوا از سوی موکل نمی‌تواند بشود. این شعبه چنین استدلال می‌کند و نظر می‌دهد: ۱- ایراد خواهان راجع به پیوست نکردن ادله مثبت ادعا و نیز بهای خواسته وارد نیست زیرا خواهان ادله و جهاتی که خود را بر اساس آن‌ها محقق می‌داند یعنی رونوشت قرارداد و صورت وضعیت‌ها و برخی مکاتبات را پیوست کرده و همین اندازه برای شکل‌گیری دعوا کافی است؛ ۲- ایراد خوانده راجع به صلاحیت وارد نیست زیرا گذشته از آن که شیوه‌نامه نمی‌تواند برای دادگاه الزامی ایجاد کند برابر ماده ۵ شیوه‌نامه ارجاع موضوع به هیأت حل اختلاف منوط به موافقت طرف قرارداد با شرکت‌های تابعه وزارت نفت است که در اینجا چنین موافقتی از سوی شرکت خواهان دیده نمی‌شود؛

۳- ایراد خوانده به منجز نبودن دعوا راجع به میزان خواسته تا ۶,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال وارد نیست زیرا خواهان خود را بر اساس صورت وضعیت‌ها تا این اندازه به طور قطعی طلبکار می‌داند اما راجع به بیش از این مبلغ این شعبه ایراد خوانده را می‌پذیرد زیرا خواهان اگر به مبنای صورت وضعیت‌ها خود را طلبکار می‌داند باید میزان دقیق طلبکاری خود را بیان کند و اگر مبنای دیگر برای طلبکاری خود دارد که آن مبنا را در این دعوا بیان نکرده است؛ وانگهی هیچ‌کس نمی‌تواند منجز کردن خواسته خود را به دادگاه واگذار کند؛ ۴- راجع به خواسته مطالبه ۶,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال باید گفت: الف- قرارداد میان طرفین برابر مواد ۱۰، ۲۱۶ و ۲۲۰ قانون مدنی برای ایشان الزام‌آور است؛ ب- صورت وضعیت‌هایی که خواهان ارائه داده نشان می‌دهد که میزان طلبکاری ایشان از خوانده دست کم ۶,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال هست؛ پ- در نامه شماره ۳ / ۱۱۰-۷۲۵۰/۱-۱۳۹۹/۲ خوانده به میزان طلب خواهان دست کم به مبلغ بالا اشاره کرده است؛ ت- خوانده در خصوص ادعای خواهان راجع به مطالبه مبلغ بالا هیچ مناقشه‌ای نکرده است؛ ث- چون خواهان برابر نامه شماره ۹۸-ک-۲۷۵-۱۳۹۸/۴/۲ از خوانده پرداخت مطالبات را درخواست کرده پس خسارت تاخیر و تادیه از این تاریخ باید محاسبه شود. بدین ترتیب یک- در خصوص خواسته خواهان راجع به مطالبه وجه پیش از مبلغ ۶,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به دلیل منجز نبودن دعوا مستند به بند ۹ ماده ۸۴ و ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوا صادر می‌شود؛ دو- در خصوص خواسته مبلغ ۶,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال مستند به مواد قانون پیش گفته و مواد ۱۹۸، ۵۱۹ و ۵۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به محکومیت خوانده به پرداخت ۶,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال اصل خواسته، خسارت تاخیر تادیه از تاریخ ۱۳۹۸/۴/۲ تا تاریخ اجرای حکم (که توسط واحد اجرای احکام بر اساس نرخ رسمی تورم محاسبه خواهد شد) و پرداخت هزینه دادرسی و ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال حق‌الوکاله وکیل به خواهان صادر می‌شود. رأی در هر دو بخش حضوری و مستند به مواد ۳۳۱ و ۳۳۶ همین قانون ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ در دادگاه تجدیدنظر استان تهران قابل تجدیدنظرخواهی است.

رئیس شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران - امیرحسین رضائی‌نژاد



## رأی شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

مرجع صدور رأی: شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران  
خواهان: شرکت ..... به نشانی با مدیریت خانم ..... به نشانی و با مدیریت ..... به نشانی .....  
..... و با وکالت آقای ..... به نشانی .....

### خواندگان:

۱. شرکت ..... به نشانی استان مرکزی - .....

۲. بانک ..... به نشانی .....

خواسته: الزام به ایفای تعهد (غیر مالی) مبنی بر

به تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۲ پرونده کلاسه ..... در وقت فوق العاده در شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران زیر نظر است.

نظر به محتویات پرونده پایان رسیدگی اعلام و به شرح زیر رأی صادر می شود.

### «رأی دادگاه»

شرکت ..... دعوایی علیه شرکت ..... با وکالت بعدی ..... به خواسته الزام خوانده به اعزام ۵ نفر از کارشناسان خواهان به کشور فرانسه و الزام خوانده به گارانتی موضوع قرارداد و مطالبه خسارات دادرسی مطرح کرده و توضیح داده برابر قرارداد شماره ۵/۲۱۹۰-۹۴-۱۱ چند عدد تابلوی فشار متوسط و فشار ضعیف از خوانده خریداری و در ماده ۶ قرارداد خوانده متعهد به اعزام ۵ نفر از کارشناسان شرکت خواهان به فرانسه برای بازرسی تابلوها شده است. شرکت همچنین برابر ماده ۹ قرارداد خوانده می بایست کالاهای گارانتی می کرد که نکرده است بنابراین تقاضای صدور حکم به شرح خواسته های بالا را دارد. وکیل خوانده دفاع کرده: ۱- این شرکت برای شرکت خوانده نامه ای در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۸ برای پیگیری ویزا فرستاده اما شرکت خواهان هیچ اقدامی در این زمینه انجام نداده است. بازرسی نیز در نهایت توسط کارشناسان شرکت خواهان در اسفندماه ۱۳۹۵ در محل کارخانه موکل انجام گرفته است؛ ۲- در قرارداد مبلغی به عنوان بهای سفر در نظر گرفته نشده است؛ ۳- چون مدت گارانتی ۱۸ ماه پس از تحویل هر بخش و یا ۱۲ ماه پس از راه اندازی هر بخش بوده و تابلوهای فشار متوسط از تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۰ تحویل شده اند و درخواست خواهان مربوط به تیر ماه ۱۳۹۸ بوده و در این تاریخ گارانتی تمام شده بود خواهان حقی در این زمینه ندارد. خواهان پاسخ داده: ۱- برای کارشناسان ویزا گرفته شده بود اما خوانده به تعهد خود برای اعزام کارشناسان عمل نکرده است؛ ۲- چون تابلوهای فشار ضعیف در اردیبهشت ۱۳۹۷ تحویل شده و درخواست گارانتی در تیرماه ۱۳۹۸ داده شده پس در این تاریخ گارانتی ۱۸ ماه تمام نشده بود؛ ۳- هدف از

سفر به شرکت ..... فرانسه برای آموزش بوده است. وکیل خوانده پاسخ داده: آموزش توسط این شرکت به شرکت خواهان داده شده است. در فاکتورها نیز اشاره‌ای به محاسبه هزینه سفر به خارج در قرارداد نشده است. این شعبه چنین استدلال می‌کند و نظر می‌دهد: یک- آنچه در ماده ۲-۶ قرارداد آمده مربوط به بازرسی کالاهای خریداری شده در مرکز شرکت سازنده (شرکت ..... ) در فرانسه است و بحث آموزش در میان نیست؛ دو- چون کالاها به ایران وارد شده‌اند اجرای ماده ۲-۶ قرارداد منتفی شده و از این رو الزام خوانده به چنان تعهدی سالبه به انتفاء موضوع است؛ سه- گارانتی یا تضمین، تعهد فروشنده به رفع ایرادهای احتمالی کالاها یا تعویض آن‌ها است و تعهدی است که در قرارداد می‌آید تا در صورت اقتضا در عمل اجرا شود. بنابراین دعوی الزام به گارانتی، دعوی نادرستی است و خواهان اگر مدعی است کالاها ایراد دارند باید به طور دقیق مشخص کند کالاها چه ایرادی دارند سپس الزام خوانده به رفع ایرادها بر اساس گارانتی را بخواهد. بنا به مراتب گذشته از آن که مبلغ اعزام کارشناسان در قرارداد لحاظ شده اما اصل تعهد اعزام کارشناسان به علت منتفی شدن موضوع منتفی است و این قسمت از قرارداد بر اساس ماده ۱۹۰ قانون مدنی دیگر اعتباری ندارد درخصوص خواسته خواهان در این قسمت مستند به ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به بی‌حقی خواهان و درخصوص خواسته الزام به گارانتی مستند به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوا صادر می‌شود. رأی در هردو بخش حضوری و مستند به مواد ۳۳۱، ۳۳۲ و ۳۳۶ همین قانون ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ در دادگاه تجدیدنظر استان تهران قابل تجدیدنظرخواهی است.

رئیس شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران - امیرحسین رضائی‌نژاد

## رأی شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

مرجع صدور رأی: شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

خواهان: ۱. شرکت ..... ۲. آقای با وکالت ..... به نشانی .....

خوانده: شرکت ..... با وکالت ..... به نشانی .....

خواسته‌ها:

۱. الزام به ایفای تعهد (مالی) مبنی بر

۲. مطالبه خسارت دادرسی

به تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۳ پرونده کلاسه  
در وقت فوق‌العاده در شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران  
زیر نظر است.

نظر به محتویات پرونده پایان رسیدگی اعلام و به شرح زیر رأی صادر می‌شود.

### «رأی دادگاه»

شرکت ..... دعوایی علیه شرکت ..... با وکالت بعدی ..... به خواسته الزام به ساخت و تحویل یک دستگاه ترانسفورماتور KVA۸۰۰ به همراه خسارت تاخیر تادیه و خسارت دادرسی مطرح کرده و توضیح داده خوانده برابر پس فاکتور شماره ۹۹/۹۰/۰۵۱۶ مورخ ۱۳۹۹/۲/۲۸ بهای یک دستگاه ترانسفورماتور KVA۸۰۰ را ۱,۷۹۲,۰۳۲,۷۸۱ ریال اعلام کرده که این شرکت ۳۰٪ از این مبلغ یعنی ۴۹۳,۲۲۰,۰۳۲ ریال را پرداخت و مراتب را به سبب نامه شماره ۹۹/۱۷۲۸ مورخ ۱۳۹۹/۳/۷ اطلاع و سفارش ساخت را به خوانده می‌دهد. خوانده دستگاه را آماده کرده اما به سبب صورتحساب شماره ۹۹/۹۰/۰۶۵۰ قیمت را به ۲,۴۱۹,۲۴۴,۲۵۵ ریال افزایش می‌دهد و پس از اعتراض این مبلغ تنها ۲٪ کاهش داده و قیمت را برابر صورتحساب شماره ۹۹۹۰۰۶۵۰ مورخ ۱۳۹۹/۵/۲۰ مبلغ ۲,۳۷۳,۶۲۸,۳۷۹ ریال اعلام می‌کند. این شرکت در تاریخ ۱۳۹۹/۷/۷ صورتحساب جدید را تسویه کرد اما باز هم خوانده به موجب صورتحساب شماره ۹۹۹۰۰۷۲۴ مبلغ جدید ۲,۸۴۸,۲۵۴,۰۵۵ ریال را اعلام کرد. اکنون و از آنجا که این شرکت صورتحساب شماره ۹۹۹۰۰۶۵۰ را پرداخت کرده است تقاضای صدور حکم به محکومیت خوانده به تحویل ترانسفورماتور را دارد.

وکیل خوانده دفاع کرده: ۱- بهای خواسته باید همان مبلغ فاکتور شماره ۹۹۹۰۰۷۲۴ اعلام می‌شد و نه اینکه ۲۰,۱۰۰,۰۰۰ ریال تقویم شود؛ ۲- صدور پیش‌فاکتور در عرف تجاری به منزله تحقق فروش نیست؛ ۳- در پایین پیش‌فاکتور آمده که اعتبار پیش‌فاکتور فقط مربوط به روز صدور است و مشتری باید در همان روز صدور مبلغ آن را پرداخت کند. خواهان چنین شرطی را انجام نداده است؛ ۴- به خواهان ابلاغ شده بود که در صورت تاخیر

در تسویه حساب و افزایش قیمت، این شرکت مسئولیتی در خصوص تحویل کالا نخواهد داشت؛ ۵- به خواهان برای استرداد وجه واریز شده به صورت کتبی اخطار داده شده است.

مدیر عامل خواهان پاسخ داده: ۱- در عرف تجاری پیش فاکتور برای طرفین لازم الاجرا است؛ ۲- پس از پرداخت ۳۰٪ از پیش فاکتور اول شرکت خوانده اعلام کرده که ترانسفورماتور آماده تحویل است. وکیل خوانده پاسخ داده: شرطی که گفته شد یعنی پرداخت به روز مبلغ در پیش فاکتور آمده است، آیا خواهان این شرط را نخوانده‌اند؟

این شعبه چنین استدلال می‌کند و نظر می‌دهد:

یک- خواسته خواهان وجه نقد نیست تا لازم باشد مبلغ آن در دادخواست نوشته شود. خواهان مال منقولی را می‌خواهد و آن را نیز تقدیم کرده است. بنابراین ایراد خوانده از این جهت وارد نیست.

دو- می‌بینیم که اختلاف طرفین در اساس، به وقوع یا عدم وقوع قرارداد (بیع) باز می‌گردد. خوانده چندین بار پیش‌فاکتور صادر کرده و خواهان می‌گوید به جز آخرین پیش‌فاکتور بقیه را قبول و در پایان مبلغ پیش‌فاکتور یکی مانده به آخر را پرداخت کرده است. خوانده می‌گوید چون مبلغ پیش‌فاکتور یکی مانده به آخر دیر پرداخت شده خواهان باید مبلغ آخرین پیش‌فاکتور را پرداخت کند.

سه- برابر مواد ۱۸۳ و ۱۹۱ قانون مدنی حق با ایجاب و قبول ایجاد می‌شود پس اگر چنین بگوییم که خواهان به خوانده پیشنهاد خرید ترانسفورماتور داده و خوانده با صدور پیش‌فاکتور قبول خود را اعلام کرده به محض صدور پیش‌فاکتور عقد منعقد شده و قیمت باید بر اساس همان پیش‌فاکتور محاسبه شود اما واقعیت و عرف موجود ممکن است چیز دیگری باشد.

چهار- مطابق قواعد عمومی قرار دادها ایجاب زمانی کامل است که در آن شرایط اساسی معامله از جمله قیمت آمده باشد. بر این اساس وقتی خواهان به خوانده گفته که می‌خواهد از او ترانسفورماتور را بخرد این گفته به منزله ایجاب نمی‌تواند باشد بلکه فقط یک پیشنهاد است. با صدور پیش‌فاکتور از سوی خوانده بوده که ایجاب شکل گرفته است چه در پیش‌فاکتور شرایط ضروری برای انعقاد عقد آمده است.

پنج- برخلاف آنچه خواهان می‌گوید در عرف تجاری صدور پیش‌فاکتور به منزله انعقاد قطعی عقد نیست بلکه پیش‌فاکتور در واقع ایجابی است که فروشنده شرایط مورد نظر خود را در آن می‌نویسد.

شش- در اینجا خوانده در پیش‌فاکتورهایی که صادر کرده به وضوح نوشته که مبلغ پیش‌فاکتور باید در همان روز صدور پرداخت شود همچنین با قلم درشت نوشته است که پیش‌فاکتور فقط در روز صدور اعتبار دارد. چنین پیش‌فاکتوری به وضوح ایجابی موید به شرایطی روشن است. خواهان یا این پیش‌فاکتور را قبول کرده که می‌بایست مبلغ

آن را در همان روز پرداخت می‌کرد که چنین نکرده است یا قبول نکرده که در این فرض هم عقدی منعقد نشده است.

هفت- این که گفته شود خواهان گرانفروشی کرده یا نباید قیمت را افزایش می‌داد ارتباطی با موضوع ندارد. گذشته از آن که تورم افسار گریخته می‌تواند چنین افزایش قیمتی را توجیه کند خواهان می‌توانست مبلغ پیش فاکتور اول را به موقع پرداخت کند و ترانسفورماتور را تحویل بگیرد یا اینکه مبالغ پیشنهادی خوانده در پیش فاکتورهای بعدی را نپذیرد. گرانفروشی زمانی مصداق دارد که فروش رخ داده باشد اما در اینجا بحث بر سر فروخته شدن یا نشدن کالا است پس گرانفروشی ارتباطی با دعوای حاضر ندارد.

هشت- اینکه گفته می‌شود که فروشنده‌ای که کالایی را با قیمت سابق آماده فروش کرده چرا نباید آن را با قیمت گران‌تر بفروشد سخن دقیق نیست. تاجر وقتی کالایی را می‌فروشد با پول آن تجارت می‌کند پس اگر کالایی با قیمت چند سال پیش نزد تاجر باشد اگر بخواهد آن را به قیمت همان زمان بفروشد پولی که در زمان حاضر به دست می‌آورد به درد او نخواهد خورد زیرا این پول ارزش چندانی ندارد که بتواند با آن تجارت کند.

نه- در زمان صدور رأی دادگاه باید به این نکته توجه کند که آیا رأی او می‌تواند قاعده کلی باشد. اگر قرار باشد پس از صدور پیش‌فاکتور خریدار هر زمان که خواست مبلغ آن را پرداخت کند تا کالا را تحویل بگیرد شرکت‌های تولیدکننده و به طور کلی فروشندگان پس از مدتی از بین خواهند رفت. حمایت از مصرف‌کننده دست کم در مرز نابودی عرضه‌کننده و فروشنده باید متوقف بشود.

ده- دست کم در شرایطی که تورم بسیار شدید است باید گفت که تجارت نقدی است و مهلت چندانی به خریدار داده نمی‌شود. پس باید قاعده قانونی نقد بودن تعهدات (ماده ۳۷۷ قانون مدنی) در اینجا نیز اجرا کرد به ویژه آنکه در پیش‌فاکتور هم به این نکته تسریع شده است.

یازده- این شعبه می‌پذیرد که مبلغ پیش‌فاکتور را اگر خوانده در مهلت متعارفی پرداخت می‌کرد قرارداد بر اساس همان پیش‌فاکتور منعقد می‌شد چنان که در پیش‌فاکتور نیز دو روز مهلت داده شده است این در حالیست که مبلغ پیش‌فاکتور شماره ۹۹۹۰۰۶۵۰ در تاریخ ۱۳۹۹/۵/۲۰ به خواهان اعلام شده و خواهان در تاریخ ۱۳۹۹/۷/۷ یعنی ۴۸ روز بعد مبلغ را پرداخت کرده است. ۴۸ روز مهلت متعارفی برای پرداخت وجه یک پیش‌فاکتور نیست.

دوازده- در دنیای تجارت ترویج نسبه خری توسط دادگاه در جایی که فروشنده راضی به آن نیست نه تنها برخلاف قواعد عمومی قراردادها است اعتماد تجار را نیز از میان می‌برد. اعتماد یکی از ستون‌های اصلی تجارت است و تاجری که در پیش‌فاکتور به صراحت اعلام می‌کند ثمن معامله را نقدی می‌خواهد اگر مجبور به قرارداد نسبه شود به کلی اعتماد خود را از دست می‌دهد.

بنا به مراتب با توجه به اینکه وقوع عقدی میان طرفین احراز نمی‌شود تا خوانده به انجام تعهدات موضوع آن محکوم گردد مستند به ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به بی‌حقی خواهان صادر می‌شود. این رأی حضوری و مستند به مواد ۳۳۱ و ۳۳۶ همین قانون ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ در دادگاه تجدیدنظر استان تهران قابل تجدیدنظرخواهی است.

رئیس شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران - امیر حسین رضائی نژاد

## رای شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

مرجع صدور رأی: شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران  
خواهان: شرکت ..... به نشانی با مدیریت خانم ..... به نشانی ..... و با مدیریت ..... به نشانی ..... و  
با مدیریت ..... و با وکالت آقای ..... به نشانی .....  
خوانندگان:

۱. شرکت ..... به نشانی استان مرکزی - .....

۲. بانک ..... به نشانی .....

خواسته: دستور موقت

به تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۳ پرونده کلاسه ..... در وقت فوق العاده در شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران زیر  
نظر است؛

نظر به محتویات پرونده پایان رسیدگی اعلام و به شرح زیر قرار صادر می شود.

### «رای دادگاه»

آقای ..... به وکالت از شرکت ..... دعوایی علیه ۱- بانک ..... و ۲- شرکت ..... به خواسته صدور  
دستور موقت مطرح کرده و توضیح داده: « شرکت موکل قرارداد شماره ۷۶۰-۹۱-۷۳ با موضوع طراحی ساخت و  
نصب پرکن ها و قطره گیرهای برج های خنک کننده -CT ۲۲۰۴ A/B را به کارفرمایی شرکت ..... منعقد نموده  
و حسب قرارداد یادشده تضامین انجام تعهدات و پیش پرداخت به شماره های ۵۶/۹۱۲۱۸۹۲۱۹ و  
۶۷/۹۱۲۴۸۷۱۶۹ به مبالغ ۲,۹۷۸,۴۰۰,۰۰۰ و ۷,۴۴۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال صادره از بانک ..... شعبه مستقل  
مرکزی تهران در اختیار کارفرما قرار گرفته است. علی رغم عمل دقیق تعهدات و اجرای مرحله به مرحله بخش  
اعظم موضوع پروژه، به دلیل تاخیرات و تغییرات کار تحمیل شده از جانب کارفرما و نیز شرایط تحریمی و افزایش  
سرسام آور نرخ ارز و نیز به رغم طراحی ساخت و نصب ۴ واحد از مجموع ۸ واحد مورد نیاز برای برج های خنک کننده  
(که با توجه به شرایط تحریم موجب ورود خسارات هنگفت به شرکت موکل شده است) و نیز علی رغم سه بار  
تمدید قرارداد توسط کارفرما، مع الاسف مطالبات و تقاضاهای متعدد شرکت موکل در رابطه با پرداخت وجوه مرتبط  
با تعدیل مبلغ پیمان وفق بخشنامه های سازمان مدیریت و وزارت نفت و سایر مطالبات قراردادی، بلا اقدام مانده  
و شرکت کارفرما وقعی بدانها ننهاد و از انجام به موقع تعهدات قراردادی در زمینه تحویل کارگاه و نیز تمدید به  
موقع قرارداد خودداری نموده است. با این وصف و به رغم اجرای صادقانه قرارداد و تلاش جهت حفظ آبروی  
تولیدات داخلی، شرکت کارفرما در اقدامی خلاف قانون و قرارداد فیما بین، ضمن ابلغ فسخ قرارداد، آن هم بدون  
ذکر علت و بدون طی تشریفات قراردادی درصدد ضبط ضمانتنامه های انجام تعهدات و پیش پرداخت شرکت

موکل (پیمانکار) می‌باشد. علی‌هذا نظر به اینکه ضبط ضمانت‌نامه‌های یاد شده یقیناً موجب تضییع حقوق شرکت موکل خواهد شد و با توجه به شرایط حاد اقتصادی، چنین رفتاری با یک واحد تولیدی رمقی برای پیکر نیمه‌جان تولید کننده نیز باقی نخواهد گذاشت؛ به همین دلیل و نظر به اینکه دادخواست ماهیتی نیز در این رابطه مبنی بر مطالبه وجوه بابت تعدیل مبلغ پیمان و سایر موارد مورد اختلاف در اسرع وقت ارایه خواهد شد، لذا مطابق مواد ۳۱۰ الی ۳۲۵ قانون آیین داری مدنی و نظر به استقرار بانک موضوع دستور موقت در تهران، صدور دستور موقت مبنی بر منع بانک ..... شعبه مستقل مرکزی تهران از پرداخت وجه ضمانت‌نامه‌های صدرالذکر و اجرای آن قبل از ابلاغ به لحاظ فوریت امر به خواننده مورد استدعاست».

این شعبه چنین استدلال می‌کند و نظر می‌دهد: ۱- برابر ماده ۳۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی دستور موقت هیچ تاثیری در اصل دعوا ندارد. یکی از نتایج منطقی که از این مقرر گرفته می‌شود ممنوعیت وحدت نتیجه دستور موقت با نتیجه دعواست: نتیجه دستور موقت نباید دعوا را منتفی کند؛ ۲- از اصلی که گفته شد قاعده ای دیگر استنباط می‌شود: دستور موقت نباید موضوع خود را منتفی کند یا به تعبیر دیگر نباید با مبنای خود رد تعارض باشد. این نتیجه به قیاس اولویت از اصل نخستین گرفته می‌شود. وقتی که دستور موقت نباید دعوا را منتفی کند به قیاس اولویت نباید موضوع دستور موقت را منتفی سازد؛ ۳- خواسته خواهان راجع به توقف پرداخت ضمانت نامه بانکی است. ضمانت‌نامه‌هایی که مورد بحث است مقید به زمان هستند و صدور دستور موقت مبنی بر پرداخت نشدن آن‌ها موجب خواهد شد اعتبار آن‌ها منقضی و بکلی منتفی شوند. از این جهت صدور دستور موقت بنابر آنچه گفته شد ممنوع است؛ ۴- ضمانت نامه های بانکی ماهیتی اسنادی دارند یعنی بر اساس خود ضمانت نامه تحلیل و پرداخت می‌شوند. یکی از نتایج این ماهیت استقلال ضمانت نامه از قرارداد پایه و نتیجه فرعی این استقلال، عدم توجه ایراد است. آن ماهیت و این نتایج ایجاب می‌کند در راه پرداخت ضمانت‌نامه بانکی چه دائم و چه موقت مانعی ایجاد نشود مگر آن که تقلبی یا سوء استفاده‌ای آشکار وجود داشته باشد. در این دعوا آنچه خواهان راجع به اجرای قرارداد پایه گفته به گونه‌ای نیست که تقلب یا سوء استفاده‌ای را نشان دهد؛ ۵- گذشته از ماهیت ضمانت‌نامه بانکی، فلسفه وجودی آن که از سرعت و به ویژه اعتماد در روابط تجاری ناشی می‌شود ایجاب می‌کند مبلغ ضمانت نامه‌ها جز در موارد استثنایی فوری پرداخت شود. روابط تجاری بر پایه اعتماد استوار است و هرکس به دیگری ضمانت نامه می‌دهد به او در اجرای قرارداد اعتماد کرده و حتی اگر در مواردی ضمانت‌نامه برخلاف قرارداد پایه پرداخت شود خسارات وارد شده به ضمانت‌خواه هزینه اعتماد او است که خود آن را پذیرفته. به همین ترتیب سرعت جریان امور در روابط تجاری دخالت بانک و داور و دادگاه در پرداخت ضمانت‌نامه‌ها را ممنوع می‌کند جز در موارد استثنایی. بنابه مراتب مستند به ماده قانونی پیش گفته قرار رد درخواست دستور موقت صادر می‌شود. این قرار مستند به ماده ۳۲۵ همان قانون به طور مستقل قابل تجدیدنظرخواهی نیست اما می‌توان ضمن اعتراض به رأی اصلی به این تصمیم نیز اعتراض کرد./

رئیس شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران - امیرحسین رضائی‌نژاد



## رأی شعبه ۱۴۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

مرجع صدور رأی: شعبه ۱۴۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران  
خواهان: ۱. شرکت ..... ۲. آقای با وکالت ..... به نشانی .....

خوانده: شرکت ..... با وکالت ..... فرزند .....

خواسته‌ها: ۱. مطالبه خسارت دادرسی ۲. مطالبه خسارت تاخیر تادیه ۳. مطالبه وجه بابت ...

گردش کار: ملاحظه می گردد خواهان دادخواستی به خواسته مندرج در متن دادخواست به طرفیت خوانده آتی‌الذکر تقدیم داشته که پرونده به این شعبه دادگاه ارجاع و پس از ثبت به کلاس فوق و جری تشریفات قانونی تحت نظر است.

دادگاه با توجه به جمیع اوراق و محتویات پرونده ضمن اعلام ختم دادرسی در فعل حاضر و با استعانت از خداوند متعال به شرح ذیل مبادرت به انشاء و صدور رأی می‌نماید.

### «رأی دادگاه»

در خصوص دعوی شرکت ..... با وکالت ..... به طرفیت شرکت با وکالت .....، به خواسته ۱. مطالبه خسارت دادرسی ۲. مطالبه خسارت تاخیر تادیه ۳. مطالبه وجه دادگاه معتقد است:

یکم- ورود دادگاه به ایراد شکلی در خصوص صلاحیت مرجع قضائی به جهت پیش‌بینی مرجع حل اختلاف قراردادی به جهات ذیل‌الذکر امکان‌پذیر نیست و به همین جهت معتقد است در این موضوع، ابتدا می‌بایست بررسی گردد که دعوی به نحو صحیح طرح شده است یا نه که در امر به بررسی صلاحیت یا فقدان صلاحیت دادگاه پرداخته شود، چه به موجب ماده ۲۵ قرارداد های استنادی، ارجاع امر به هیات مذکور در ماده مورد اشاره ناظر به اختلاف در اجرای قرارداد است.

دوم- هدف از طرح دعوی فصل خصومت و مقدمه فصل خصومت، مشخص بودن حق مورد نزاع و سبب ایجاد آن می باشد. بنابر این حکمی که در آن عناصر دعوی به طور دقیق مشخص نگردد نیز مطلوب نخواهد بود. خواهان مطابق بند ۴ از ماده ۵۱ از قانون آیین دادرسی مدنی مکلف است جهت خواسته خود را بیان دارد از سوی دیگر مطابق ماده ۲۹۶ از قانون مرقوم نیز این جهات می‌بایست مورد نظر دادگاه قرار گیرد. منشا هر حق یا عمل حقوقی یا واقعه حقوقی و یا فرض قانونیست و منظور از تعهد و جهت، سببی است که خواهان به موجب آن خود را محق می‌داند. پس سبب، اعمال یا وقایع حقوقی یا مواد قانونیست که خواهان بر آن مبنا خود را ذی‌حق دانسته و این حق از طرف خوانده مورد انکار و تضییع یا تعرض قرار گرفته است.

سوم- مردد گذاردن سبب خواسته توسط خواهان اقدامیست که مستحق اغماض توسط دادگاه نیست. دادگاه بنا به آنچه در پیش بیان شد، در مقام فصل خصومت می‌بایست جهاتی که بدان امر دعوی خواهان را مورد پردازش قرار می‌دهد را بررسی نموده و در حکم خود نیز مورد اشاره قرار دهد.

خواهان این دعوی خواسته خود را مطالبه وجوه قراردادی ذکر نموده و اعلام داشته است بر اساس دو فقره قرارداد پیمان منعقد استنادی اقداماتی بیشتر از موضوع پیمان از سوی کارفرما به پیمانکار محول و پیمانکار نیز بر آن مبنا اقدام نموده است و حالیه درخواست وصول مطالبات را دارد. در جلسه دادرسی نیز در پاسخ به این سوال دادگاه که آیا اقدامات معموله در راستای قرارداد های سابق بوده است، اعلام داشته است بله. لکن در ادامه مجدداً وکیل خواهان بیان داشته است که این اقدامات خارج از موضوعات دو قرارداد مزبور می‌باشد.

نیک روشن است که مبنای این دو (ضمان قهری و ضمان قراردادی) از هم مجزاست. در فرض اول خواسته خواهان از باب ضمان قراردادی و در فرض دوم خواسته خواهان از باب ضمان قهری و استیفاءست. وکیل خواهان نیز در جلسه دادرسی جهت خود را معین ننموده است و هرچند اصل ترمیم دادرسی مورد پذیرش دادگاه است اما، دادگاه در مقام قضاوت و به عنوان مرجع بی طرف، نمی‌تواند در جریان دادرسی خواهان را به طرح صحیح خواسته خود ارشاد نماید.

لذا با این وصف دعوی به نحو صحیحی مطرح نگردیده است و مالا به این کیفیت قابلیت استماع را ندارد لذا مستنداً به ماده ۲ از قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی قرار عدم استماع دعوی خواهان صادر و اعلام میدارد رأی صادره متصف به وصف حضوری یا غیابی نبوده لکن ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان تهران است.

رئیس شعبه ۱۴۱ دادگاه عمومی حقوقی تهران- مهدی خسروشاهی مطلق

## رأی شعبه ۱۴۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

مرجع صدور رأی: شعبه ۱۴۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

خواهان: ۱. شرکت ..... ۲. آقای با وکالت ..... به نشانی .....

خوانده: بانک ..... به نشانی .....

خوانده: شرکت ..... با وکالت ..... به نشانی .....

خواسته‌ها: ۱. دستور موقت ۲. مطالبه خسارت دادرسی ۳. ابطال قرارداد (غیرمالی)

گردش کار:

ملاحظه می‌گردد خواهان دادخواستی به خواسته ذیل الذکر بطرفیت خوانده آتی الذکر تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاس فوق و جری تشریفات قانونی تحت نظر است.

دادگاه با توجه به جمیع اوراق و محتویات پرونده ضمن اعلام ختم دادرسی و با استعانت از خداوند متعال به شرح ذیل مبادرت به انشاء و صدور رأی می‌نماید.

### «رأی دادگاه»

در خصوص دعوی شرکت با وکالت مجتمعاً و منفرداً آقایان به طرفیت شرکت تولیدی ..... با وکالت مجتمعاً و منفرداً .....، به خواسته ۱. دستور موقت ۲. مطالبه خسارت دادرسی ۳. ابطال قرارداد معامله شماره ۳۱۸۵-۹۰/ص مورخ ۱۳۹۰/۰۹/۰۱، بدین شرح که وکیل خواهان اعلام می‌دارد: شرکت موکل در سال ۹۰ اقدام به انعقاد قراردادی با خوانده محترم نموده که وفق ماده یک موضوع قرارداد مزبور فروش و تسلیم دویست میلیون بطری شیشه با مشخصات فنی و کیفی مورد نظر خریدار تهیه و تولید و سرانجام در اختیار خوانده دعوی قرار گیرد اقدام به انعقاد قرارداد طی شماره‌های ۳۱۸۵/۹۰/ص مورخه ۹۰/۰۹/۰۱ می‌نماید که بدلیل مشکلات شرکت موکل و آگاهی خوانده از آن، قرارداد متنازع فیه را منعقد می‌نمایند. ۲- ایراد و اشکال شرکت موکل از آنجائی آغاز می‌گردد که اقدام به خرید یک قطعه زمین از شرکت شهرک‌های صنعتی ..... جهت احداث و بهره‌برداری کارخانه جهت تهیه و تولید بطری‌های شیشه‌ای می‌نمایند که پس از مضي زمان که شرکت فوق‌الاشعار در تعهداتش بوده که جهت بهره‌برداری کارخانه از مواد اولیه همچون داشتن گاز جهت سوخت‌رسانی به کوره‌ها و مواردی از این دست متأسفانه خودداری می‌نمایند پس از چندی و بروز اختلافات عدیده از جمله اینکه چون زمین خریداری شده در محدوده دریاچه ارومیه می‌باشد به آن مزایای اولیه و ارائه نیرو امکان‌پذیر نمی‌باشد و از سوی دیگر شرکت فوق اقدام به انتقال ملک و منافع به شخص دیگری نموده که علیه مدیران شرکت اعلام جرم کرده و طبق مدارک پیوست در شعبه محترم ۱۱۶ دادگاه کیفری ۲ شهرستان ارومیه مسئولیت کیفری و اقدام مجرمانه مشارالیه اثبات و در شعبه وزین ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان غربی نیز دادنامه شعبه بدوی تأیید گردید و در آن زمان

شرکت موکل با خوانده محترم دعوی فوق (شرکت ..... ) دعاوی متعدد علیه یکدیگر مطرح و پس از مطرح کردن این دست از مشکلات خوانده مجاب به انعقاد قرار مزبور می گردد. ۳- حالیه باتوجه به این امر که اولاً موکل توانایی بهره‌برداری از کارخانه را به علت این مهم که ملک و منافع آن متعلق به دیگری است و در حال حاضر شرکت موکل خسارت‌های فراوانی به علت جرایم مدیران شرکت ..... متحمل گردیده عملاً و قانوناً قادر به بهره‌برداری از کارخانه نمی‌باشد که این امر مهم‌ترین مسئله در این خصوص می‌باشد و باتوجه به موارد ۱۹۰ و ۳۴۸ قانون مدنی عملاً قدرتی برای موکل جهت تهیه و تسلیم بطری‌های فوق‌الذکر نداشته و ندارد. ثانیاً باتوجه به قرارگیری شرکت موکل در حوزه دریاچه ارومیه و علت‌های عمده این چینی و عدم دریافت سهمیه گاز و در نتیجه عدم توانایی شرکت جهت بهره‌برداری کوره‌های کارخانه و در نتیجه عدم تهیه و تولید بطری‌های شیشه‌ای قرارداد مزبور عملاً عقیم مانده و قابلیت اجرایی را نخواهد داشت و حتی کارخانه تاکنون نتوانسته است افتتاح گردد که بدو از محضر آن مقام منیع قضایی استعلام از شرکت های صنعتی آذربایجان عربی مورد استدعاست. لذا باتوجه به موارد فوق الاشعار و از آنجائیکه موکل قانوناً ( بدلیل عدم مالکیت منافع زمین و همچنین قرارگیری زمین نزدیک دریاچه ارومیه و عدم استحقاق سهمیه گاز) قادر به انجام تعهدات قراردادی نبوده و این امر خارج از اراده و توانایی موکل می باشد و النهایه ذات عقد (تسلیم بطری های شیشه‌ای) عقیم خواهد ماند. تقاضای اعلام به ابطال قرارداد ۳۱۸۵ اصل مورخه ۹۰/۰۹/۰۱ را از آن مقام محترم استدعا دارد باتوجه به اینکه در موضوع اختلاف اینجانب با خوانده به لحاظ فوریت امر و وجود شرایطی که ادامه آن در آینده غیر قابل جبران و امکان اجرای حکم را متعسر می‌نماید تعیین تکلیف فوری ضرورت دارد لذا با تقدیم دادخواست حاضر صدور دستور موقت بدون تعیین وقت و اجرای آن قبل از ابلاغ به خوانده مورد استدعاست.

دادگاه با در نظر گرفتن جمیع اظهارات متداعیین و محتویات پرونده بیان می‌دارد:

یکم: هرچند در خصوص تشریفات یا رضایی بودن قرارداد داوری در منازعات حقوقی داخلی اختلاف نظر وجود دارد اما قدر متیقن در قوانین داخلی الزامی بر طرز تنظیم سند داوری یا شرط داوری وجود ندارد نتیجه تلقی شرط ضمن عقد دانستن داوری، آن است که قاعده تابعیت فرع از اصل و نظریه قرارداد واحد را مجرا بدانیم. به این بیان که شرط تابعی از عقد است و فسخ یا بطلان قرارداد اصلی به طور خودکار موجب بطلان شرط داوری نیز خواهد بود. اما در مقابل این دیدگاه، نگرش دیگری نیز جاریست که ماهیت برخی شروط که متعلق آنها التزامی مستقل از عقد اصلی می‌باشد، به گونه ایست که بدون افتقار به عقد اصلی هم می‌تواند وجود داشته باشند لکن بدان جهت که در بستر عقد اصلی گنجانده شده‌اند، صرفاً در زمان ایجاد به عقد اصلی نیاز داشته و پس از انعقاد عقد، از عقد اصلی جدا و به صورت مستقل به حبات خود ادامه می‌دهند. بر مبنای این دیدگاه، ماهیت استقلالی شرط، نتیجه مستقیم احترام به اراده طرفین است. ایشان با درج شرط داوری خود را ملتزم دانسته‌اند که هرگونه اختلاف ناشی از قرارداد را به داوری و قاضی خصوصی ارجاع دهند و تمایز بین اختلافات ناشی از صحت قرارداد با سایر اختلافات قراردادی، بر خلاف فلسفه و ذات توافق اولیه طرفین و هدف داوری که تسریع در رسیدگی همه جانبه به کلیه اختلافات طرفین است خواهد بود.

دوم: در نظام حقوقی ایران راجع به داوری‌های بین‌المللی با توجه به ماده ۱۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی شکی در استقلال شرط داوری نیست اما در خصوص داوری‌های داخلی با در نظر گرفتن ماده ۴۶۱ از قانون مدنی، بررسی اعتبار شرط داوری در مقاطع زمانی متفاوتی ممکن است صورت بگیرد: الف- رسیدگی قبل از صدور رأی داور ب- رسیدگی پس از صدور رأی داور، که در هر دو موقعیت، وجه مشترک، تعرض یکی از طرفین قرارداد به اعتبار قرارداد یا شرط داوریست که بنا به موقعیت‌های مختلف می‌تواند منشا اثر متفاوت باشند. در حالت اول عده‌ای آن را ناظر به کلیه اختلافات دانسته و عده‌ای دیگر فرض این ماده را منصرف به مواردی دانسته‌اند که دعوی‌ای نظیر بطلان رأی داوری یا درخواست تعیین داور نزد دادگاه مطرح باشد. در حالت دوم نیز لازم است به این مهم نگریست که اشخاص می‌بایست به آثار و تبعات اقدامات خود که منشاء اثر حقوقیست پایبند باشند. طرفین از تناقض کرداری-گفتاری در مراجع قضایی ممنوع بوده و بر اساس قاعده منع تقلب به قانون و سوء استفاده از حق، به جهت فرار از اجرای قانون و با هدف اضرار به حق دیگری، نمی‌بایست از اجرای ظاهری قانون طرفی برای خود ببرند.

دادگاه معتقد است:

الف- اگر نگاهی به طبع روابط تجاری و ماهیت قراردادهای تجاری داشته باشیم می‌توان بگوییم شرط داوری نه از جنس شرط فعل است نه شرط نتیجه که با زوال عقد اصلی شرط هم از میان برود. مطابق این دیدگاه که متأثر از نظریه انحلال عقد به عقود متعدد است، موافقت‌نامه و شرط داوری از قرارداد اصلی مجزا می‌باشد. شرط داوری ماهیتی مستقل دارد، چه هرچند این شرط می‌تواند در قالب هریک از شروط ضمن عقد (فعل و نتیجه) قرار گیرد ولی جایگاه متمایز شرط مزبور و اثری که این شرط بر نفی صلاحیت دادگاه و تجویز و به رسمیت شناختن دادرسی خصوصی دارد و با توجه به اینکه حاوی التزامی مستقل و مجزا از قرارداد اصلیست، آن را از شروط سنتی ضمن عقد در قانون مدنی متمایز می‌نماید. داوری ماهیتی مختلط و دوگانه متشکل از حاکمیت قانون و توافق طرفین را دارد و با نیم نگاهی به قانون، صلاحیت داور نشأت گرفته از توافق پیشینی و تعلق اراده طرفین قرارداد است. اینجاست که بر مبنای ارادی بودن ماهیت داوری، قاعده صلاحیت نسبت به صلاحیت مطرح می‌گردد. داور با اتکا به آزادی اراده طرفین و تصمیم ایشان در ارجاع کلیه اختلافات به داوری و اختیار حاصله از این توافق، می‌تواند راجع به صلاحیت خویش (اعم از صلاحیت شخصی یا صلاحیت منبعث از شرط داوری) نیز اظهار نظر نماید و بدین گونه میان استقلال شرط داوری و قاعده صلاحیت بر صلاحیت ارتباط موثری برقرار می‌گردد.

ب- مراجعه به داوری در خصوص بخشی از اختلافات قراردادی مانع و رادعی برای ارجاع امر به داوری در خصوص اختلاف دیگری که در زمره خواسته‌های مورد رسیدگی داور در نزاع سابق بوده است نمی‌باشد و قواعد اعتبار امر محکوم بها در دادرسی خصوصی نیز جاریست

در پرونده حاضر متعاقب اختلافات قراردادی و صرفنظر از اینکه قرارداد در حاق واقع باطل بوده است یا خیر، امر به داوری ارجاع و رأی داوری صادر و خواهان پس از صدور رأی داوری، اقدام به طرح دعوی ابطال آن نموده است و علاوه بر آن در مواردی که به موجب قرارداد و شرط صریح، طرفین نزاع به صراحت به استقلال شرط داوری تصریح نموده اند مجالی برای اجرای ماده ۴۶۱ از قانون آیین دادرسی مدنی به وجود نخواهد آمد و موضوع مورد بررسی در داوری نیز با موضوع مورد درخواست در این پرونده متفاوت است و مشمول اعتبار امر رسیدگی شده نیست و در فعل حاضر نیز دلیلی بر زوال داوری یا عدم امکان آن در پرونده و جریان ماده ۴۶۳ از قانون آیین دادرسی مدنی ملاحظه نمی‌گردد که دادگاه را مکلف به ورود در ماهیت و رسیدگی نماید، لذا بنا به دلایل معنونه و با توجه به وجود شرط داوری راجع به اختلافات حاصله ناشی از قرارداد، دعوی مطروحه موجود به این کیفیت قابل استماع نیست و مستندا به ماده ۲ از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، قرار عدم استماع دعوی خواهان صادر و اعلام می‌گردد و بنا به استدلال پیش گفته در خصوص درخواست دستور موقت خواهان نیز با توجه به اینکه دادرسی فوری بر خلاف قاعده است و اجابت درخواست خواهان تابع شرایطیست که در ماده ۳۱۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی بیان شده و از سوی دیگر دادگاه صلاحیت رسیدگی به اصل دعوی را ندارد، در نتیجه دادگاه صلاحیت صدور دستور موقت را نیز نخواهد داشت چه صدور دستور موقت از اختیارات خاص دادگاه صالح به رسیدگی نسبت به اصل دعواست، لذا این درخواست نیز قابلیت استماع نخواهد داشت و مستندا به مواد مارالذکر قرار عدم استماع درخواست صادر می‌گردد. قرارهای صادره متصف به وصف حضوری یا غیابی نبوده و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان تهران است.

رئیس شعبه ۱۴۱ دادگاه عمومی حقوقی تهران - مهدی خسروشاهی مطلق

## رأی شعبه ۱۴۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

مرجع صدور رأی: شعبه ۱۴۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

خواهان: ۱. شرکت ..... ۲. آقای ..... با وکالت ..... به نشانی .....

خواهان: شرکت ..... به نشانی .....

خوانده: شرکت ..... با وکالت ..... به نشانی .....

خواسته‌ها: ۱. مطالبه خسارت تأخیر تادیه ۲. مطالبه وجه بابت ..... ۳. مطالبه خسارت دادرسی

گردش کار: ملاحظه می‌گردد خواهان دادخواستی به خواسته ذیل‌الذکر بطرفیت خوانده آتی‌الذکر تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاس فوق و جری تشریفات قانونی تحت نظر است.

لذا دادگاه با توجه به جمیع اوراق و محتویات پرونده ضمن اعلام ختم دادرسی و با استعانت از خداوند متعال به شرح ذیل مبادرت به انشاء و صدور رأی می‌نماید.

### «رأی دادگاه»

درخصوص دادخواست شرکت ..... با مدیریت ..... مدیرعامل به طرفیت شرکت ..... به خواسته مطالبه وجه، مطالبه خسارات دادرسی و مطالبه خسارت تأخیر تادیه، نظر به محتویات پرونده و لوائح تقدیمی طرفین و اظهارات ایشان در جلسه دادرسی منعقد، با در نظر گرفتن مفاد ماده ۴ از قرارداد استنادی مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ فیما بین طرفین و نیز مفاد رأی دآوری:

یکم- هرگونه اختلاف بین شرکت های خواهان و خوانده راجع به موضوع توافقنامه مزبور از جمله اختلافات حاصل از قرارداد پیمانکاری آتی به داوری سپرده شود و از سوی دیگر قرارداد مکتوبی با عنوان قرارداد آتی بین طرفین منعقد نگردیده است که شرط داوری قرارداد اصلی قابل تسری به آن نباشد.

دوم- با ملاحظه و مذاقه در رأی داوری نیز، داور اقدام به اظهار نظر راجع به مطالبات خواهان از خوانده بر اساس قرارداد منعقد نموده است و خواهان نیز در لایحه تقدیمی خود بدین امر اشاره نموده است لذا با وجود شرط داوری در قرارداد، طرفین ملتزم به آن بوده و مطابق قرارداد باید به داوری رجوع نمایند و ابتدائاً حق طرح دعوا در دادگاه را ندارند، زیرا درست است که حق دادخواهی و اقامه دعوا یکی از حقوق مدنی شخص است که به موجب ماده ۹۵۹ ق.م حقوق مدنی به طور کلی قابل سلب از شخص نیست و شرطی که راجع به سلب حقوق مدنی به طور کلی باشد، باطل و بلااثر است، اما سلب و اسقاط حقوق مدنی به طور جزئی و در موارد خاص مانعی ندارد. بنابراین اگر موضوع خاصی به داوری ارجاع شود، در واقع اسقاط حق مدنی به طور جزئی و در مورد خاصی است که در صحت آن نمی‌توان تردید کرد، بلکه دادخواهی در نزد داور یا داوران مرضی‌الطرفین جایگزین دادخواهی در دادگستری می‌شود و این به معنای محترم شمردن اراده شخص و ملتزم بودن به اراده اعلام شده می باشد که

حسب مواد ۱۰، ۲۱۹ و ۲۲۳ قانون مدنی طرفین لازم الاتباع می باشد و با این وصف طرح دعوی مجدد بدون تعیین تکلیف نهایی راجع به رأی داور و شرط داور و موجود به این کیفیت قابل استماع نیست و مستندا به ماده از ۲ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، قرار عدم استماع دعوی خواهان صادر و اعلام می گردد. قرار صادره ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان تهران است.

رئیس شعبه ۱۴۱ دادگاه عمومی حقوقی تهران - مهدی خسروشاهی مطلق



## رأی شعبه ۱۴۰ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

مرجع صدور رأی: شعبه ۱۴۰ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

خواهان: ۱. شرکت ..... ۲. آقای با وکالت ..... به نشانی .....

خوانده: ۱. آقای ..... ۲. خانم ..... ۳. خانم ..... ۴. شرکت ..... ۵. خانم ..... ۶.

آقای ..... با وکالت ..... به نشانی ..... ۷. آقای ..... به نشانی .....

خواسته‌ها: ۱. مطالبه وجه چک ۲. مطالبه خسارت تاخیر تادیه ۳. تأمین خواسته ۴. مطالبه خسارت دادرسی

گردش کار: ملاحظه می‌گردد خواهان دادخواستی به خواسته ذیل‌الذکر به طرفیت خواندگان آتی‌الذکر تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی تحت نظر است.

لذا دادگاه با توجه به جمیع اوراق و محتویات پرونده ضمن اعلام ختم دادرسی و با استعانت از خداوند متعال به شرح ذیل مبادرت به انشاء و صدور رأی می‌نماید.

### گزارش اصلاحی

در خصوص دادخواست آقای ..... و شرکت ..... با وکالت ..... به طرفیت شرکت و آقایان و خانم ..... به خواسته مطالبه وجه بخشی از چک برگشتی به شماره ..... بانک ..... مورخ ۱۳۹۹/۳/۱۳ به انضمام خسارات اعم از دادرسی، هزینه حق‌الوکاله و تأخیر تادیه به مبلغ ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و تأمین خواسته و خسارت تأخیر تادیه را تقدیم داشته و دادگاه با جری تشریفات قانونی و تشکیل جلسه طرفین اعلام داشته به توافق رسیده‌اند و تقاضای صدور گزارش اصلاحی دارند، وکیل خواهان اعلام داشت حسب توافق حاصله موکل وی (خواهان) حاضر است در ازاء تملیک آپارتمان اداری واقع در بخش ثبتی دو تهران به شماره فرعی ..... از اصلی ..... مفروز و مجزی از ..... از قطعه ۴ به نوع سند اصلی به مساحت ۱۶۲,۲۶ متر مربع که به نام مرحوم آقای بوده است را با چک شماره سریال ۱۰۱۳/ ..... در عهده بانک ..... به مبلغ یکصد و شصت و شش میلیارد ریال در وجه آقای ..... امضاء از سوی شرکت ..... و آقای ..... و آقای ..... (متعهد و تضمین چک متضامناً) را صلح خواهد کرد و در دفترخانه اسناد رسمی انتقال ملک با چک از سوی خواهان به آقای ..... احد از خواندگان تحویل خواهد شد، وکیل خوانده هم اظهار داشت به شرح توافق مارالذکر موافق است و گزارش اصلاحی صادر شود و این دادگاه با رویت گواهی حصر وراثت ارائه شده از سوی وکیل خواندگان به شماره دادنامه ..... از شعبه ۲۱۹ شورای پنج حل اختلاف تهران و نظر به وجود جد پدری (ولی قهری) برای صغار که نیاز به نصب قیم را مرتفع می‌سازد و استعلام آخرین وضعیت ثبتی به شماره نامه ..... به تاریخ ۹۹/۱۱/۲۱ با این دادگاه مستنداً به ماده ۱۸۴ از قانون آیین دادرسی مدنی به شرح توافق فوق مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید.

لازم به توضیح است این گزارش قطعی تلقی شده و صرف نظر از اسقاط حق تجدیدنظر خواهی طرفین به استناد ماده ۳۳۳ از قانون آیین دادرسی مدنی این گزارش اصلاحی قطعی تلقی شده و در حق طرفین، وراث و یا قائم مقام قانونی آنها معتبر و لازم الاجرا است و مانند احکام دادگاهها به موقع اجرا گذاشته می شود. همچنین در خصوص تأمین خواسته مورد مطالبه خواهان نظر به استرداد آن از سوی وکیل خواهان این دادگاه به استناد بند ب ماده ۱۰۷ از قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوی را صادر و اعلام می دارد. قرار صادره حضوری تلقی و ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در محاکم تجدیدنظر استان تهران است.

دادرس شعبه ۱۴۰ مجتمع قضایی تجاری تهران - امیررضا دهقانی نیا

## رأی شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

مرجع صدور رأی: شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران  
خواهان: ۱. شرکت ..... ۲. آقای با وکالت ..... به نشانی .....

خوانده: بانک ..... به نشانی .....

خواسته: تایید فسخ قرارداد (مالی)

به تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۰۲ پرونده کلاسه ..... در وقت فوق العاده در شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران زیر نظر است.

نظر به محتویات پرونده پایان رسیدگی اعلام و به شرح زیر رأی صادر می‌شود.

### «رأی دادگاه»

آقای ..... به وکالت از شرکت ..... دعوایی علیه بانک ..... به خواسته تایید فسخ قرارداد، الزام به دریافت پیش پرداخت (۴۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) و الزام به آزادسازی ضمانت نامه های بانکی به شماره های ۴۴-۱۳۹۹۴۲۷۹۵۸۸ - ۱۶/۲/۱۳۹۹ و ۲۹-۹۸۲۲۹۵۱۲۳-۱۲/۱۲/۱۳۹۸ به ترتیب به مبلغ ۴۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و ۲۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و مطالبه خسارات دادرسی مطرح کرده و توضیح داده شرکت موکلش در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۶ قراردادی به شماره ۱۳-۸-۹۹-۲۳۴۰ با خوانده منعقد کرده اما به دلیل این که بیماری کرونا شایع و مرزها بسته شد و نیز با توجه به این که ارز لازم از سوی بانک مرکزی تخصیص داده نشد- که این دو مصداق فورس ماژور هستند- مراتب فسخ قرارداد (بر اساس ماده ۱۴) به موجب اظهارنامه مورخ ۱۳۹۹/۷/۱۳ به خوانده اعلام شده است. با توجه به این موارد و با توجه به این که موکل مبلغ ۴۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال بابت پیش پرداخت از خواهان گرفته که باید به او بازگرداند و نیز با توجه به این که ضمانت نامه های پیش گفته در راستای قرارداد به خوانده تحویل شده اند که باید آزاد شوند تقاضای صدور حکم به شرح خواسته های بالا شده است. موضوع قرارداد عبارت بوده از خرید تجهیزات سایت پشتیبان بانک (خوانده). خواهان می گوید با توجه به ایجاد شرایط فورس ماژور بر اساس ماده ۱۴ فسخ قرارداد را اعلام کرده است.

نماینده خوانده دفاع کرده که: ۱- قرارداد میان طرفین به صورت منجز منعقد شده و معلق نیست؛ ۲- ادعای خواهان با هیچ یک از موارد سقوط تعهدات در قانون مدنی (ماده ۲۶۴) مطابقت ندارد؛ ۳- قرارداد سه ماه پس از شیوع کرونا و در شرایط تحریم منعقد شده پس موارد بالا نمی تواند فورس ماژور باشد؛ ۴- این بانک به اجرای قرارداد اصرار دارد. وکیل خواهان پاسخ داده: ۱- آگاهی یک امر بسیط و مجرد نیست بلکه در گذر زمان تغییر می کند و موکل در زمان پیشنهاد قیمت و هم در زمان انعقاد قرارداد نمی توانسته عدم تخصیص ارز و بسته شدن مرزها را پیش بینی کند؛ ۲- شرکتهای متعددی به همین دلایل نتوانسته اند تعهدات خود را انجام دهند و بانک ..... هم عدم تخصیص ارز را تایید کرده است. نماینده خوانده پاسخ داده: در زمان انعقاد قرارداد هیچ گاه

مساله تخصیص ارز پیش‌بینی نمی‌شود زیرا اگر چنین بود همه قراردادهای باید پس از اطمینان از تخصیص ارز منعقد می‌شدند. در مکاتبات صورت گرفته نیز سخن از فسخ نشده است. این شعبه چنین استدلال می‌کند و نظر می‌دهد:

یک- برابر ماده ۱۴ قرارداد در صورت تحقق فورس ماژور قرارداد به مدت ۲ ماه معلق می‌شود و در صورتی که این وضعیت ادامه یابد هر یک از طرفین می‌تواند قرارداد را فسخ کند.

دو- قرارداد در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۶ منعقد شده است. در آن تاریخ کرونا شایع شده بود. در پایان اسفندماه و فروردین ۱۳۹۹ حتی جاده‌های بین شهری در کشور بسته شده بودند. در اروپا کرونا در حال پیشرفت بود. پس کرونا در داخل و هم در خارج شایع شده بود و خواهان به شیوع آن آگاه بوده و از این رو حادثه‌ای غیر قابل پیش‌بینی نبوده که مصداق قوه قهریه باشد.

سه- کسی که قراردادی این چنین می‌بندد باید ارز لازم را از پیش تهیه کرده باشد. در زمان قرارداد خواهان دست کم باید پیش‌بینی می‌کرد که ممکن است ارز به این نوع تجهیزات تخصیص داده نشود. اگر چنین پیش‌بینی داشته که موضوع نمی‌تواند فورس ماژور باشد. اگر چنان پیش‌بینی نکرده ضرره‌ای احتمالی ناشی از این پیش‌بینی نکردن با خود او خواهد بود.

چهار- در زمینه تخصیص ارز این عرف وجود دارد که هر شرکتی اگر نمی‌تواند کالایی را تهیه کند نباید قرارداد منعقد کند و اگر چنین کرد باید پایبند به قرارداد باشد. از شرکتی که چنین قراردادی منعقد می‌کند این انتظار معقول و متعارف می‌رود که تخصیص داده شدن یا نشدن ارز را پیش‌بینی کند.

پنج- درست است که آگاهی در زمان تغییر می‌کند اما این تغییر به این معنا نیست که شرایط به طور مطلق قابل پیش‌بینی نیستند. شرایط تا اندازه‌ای قابل پیش‌بینی هستند و برای آن که انعقاد هر قراردادی به طور کلی ممکن باشد باید از طرفین قرارداد انتظار داشت که شرایط را پیش‌بینی کنند. اگر قابلیت تغییر در زمان موجبی برای فسخ قرارداد باشد هیچ قراردادی پا بر جا نخواهد ماند. همه چیز تغییر می‌کند. دنیا که ثبات ندارد و در ایران شرایط اقتصادی بیشتر از هر چیزی دستخوش تغییر و تلاطم است. قرارداد بر چنین بستری از تغییر منعقد می‌شود و به همین بستر هم انتظار می‌رود که اجرا بشود.

شش- خواسته الزام به باز پس گرفتن پیش پرداخت این ایراد را دارد که اصالت ندارد بلکه تابعی از فسخ قرارداد است. در فرض فسخ قرارداد نیز خواننده حق می‌داشت که مبلغ پیش پرداخت را از خواهان پس بگیرد و دادگاه کسی را مجبور به گرفتن حقتش نمی‌کند.

بنا به مراتب به دلیل این که شرایط فورس ماژور احراز نمی‌شود و به تبع آن حق فسخی برای خواهان از این جهت شناسایی نمی‌شود در خصوص خواسته های تایید فسخ قرارداد (شماره ۱۳-۸-۹۹-۱۲۳۴۰-۱۳۹۹/۲/۶) و الزام

خوانده به آزادسازی ضمانت‌نامه‌ها مستند به ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به بی‌حقی خواهان صادر می‌شود و در خصوص خواسته الزام به تحویل گرفتن مبلغ پیش پرداخت (۴۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال) مستند به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوا صادر می‌گردد. حکم و قرار صادر شده حضوری و مستند به مواد ۳۳۱، ۳۳۲ و ۳۳۶ همین قانون ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ در دادگاه تجدیدنظر استان تهران قابل تجدیدنظرخواهی هستند.

قاضی دادگاه حقوقی شعبه ۱۴۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تجاری تهران - امیرحسین رضائی‌نژاد

## رای شعبه ۱۴۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

خواهان: شرکت ..... با وکالت ..... به نشانی .....

خوانده: شرکت ..... به نشانی .....

خواسته‌ها: ۱. مطالبه وجه بابت ..... ۲. مطالبه خسارت تاخیر تادیه ۳. مطالبه خسارات دادرسی

گرددش کار:

ملاحظه می‌گردد خواهان دادخواستی به خواسته صدور حکم مبنی بر الزام خواندگان بر اصلاح و ابطال سند فوت به طرفیت خواندگان آتی‌الذکر تقدیم داشته که پرونده به این شعبه دادگاه ارجاع و پس از ثبت به کلاس فوق و جری تشریفات قانونی تحت نظر است. دادگاه با توجه به جمیع اوراق و محتویات پرونده ضمن اعلام ختم دادرسی در فعل حاضر و با استعانت از خداوند متعال به شرح ذیل مبادرت به انشاء و صدور رأی می‌نماید.

### «رای دادگاه»

در خصوص دعوی شرکت با وکالت منفرداً و مجتمعاً ..... به طرفیت شرکت ..... ، به خواسته: ۱. مطالبه وجه به مبلغ ۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال ۲. مطالبه خسارت تاخیر تادیه ۳. مطالبه خسارات دادرسی، دادگاه اینگونه نظر دارد که یکم: خواهان در دادخواست تقدیمی استناد به مواد ۱۰ و ۲۱۹ الی ۲۲۲ از قانون مدنی راجع به تعهدات قراردادی مطالباتی را از خوانده دارد. دوم: وکلای خواهان در لایحه تقدیمی مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۶ مضبوط در پرونده علاوه بر مطالبه به جهت قرارداد شفاهی ادعایی، استناد به ماده ۳۳۶ از قانون مدنی نموده و به نحوی جهت خواسته را تغییر داده‌اند. سوم- تغییر جهت دعوی منوط به احراز دو شرط ارتباط کامل و وجود منشاء واحد است، حال آنکه منشاء مطالبه خواسته بر مبنای دادخواست اولیه قرارداد و منشاء مطالبه در لایحه، استیفاء است، لذا این تغییر نحوه (جهت) دعوی مورد پذیرش دادگاه نیست و از سوی دیگر پذیرش مردد هر دو جهت نیز مسموع نیست چه جهت دعوی می‌بایست معین و مشخص باشد و مردد نمودن آن مورد پذیرش دادگاه نخواهد بود. چهارم: با این مقدمه ذکر شده در بند سوم استدلالات، پذیرش دعوی خواهان بر اساس استناد به قرارداد شفاهی نیز مقبول دادگاه نخواهد بود، چه خواهان با فرض وجود قرارداد استنادی شفاهی، مکلف است ارکان آن قرارداد را تعیین و مشخص و به بیان دیگر بدواً اثبات قرارداد با ذکر جمیع شرایط آن را خواستار شده و متعاقباً ایفاء تعهدات خوانده به پرداخت مبلغ قراردادی را مطالبه نماید که در دعوی حاضر اینگونه عمل نگردیده است، لذا دعوی به این کیفیت قابلیت استماع را ندارد لذا مستنداً به ماده ۲ از قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی قرار عدم استماع دعوی خواهان صادر و اعلام می‌دارد رأی صادره متصف به وصف حضوری یا غیابی نبوده، لکن ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان تهران است.

رییس شعبه ۱۴۱ دادگاه عمومی حقوقی تهران- مهدی خسروشاهی مطلق

## رأی شعبه ۱۴۰ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

مرجع صدور رأی: شعبه ۱۴۰ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران

خواهان: شرکت ..... با وکالت ..... به نشانی .....

خوانده: شرکت ..... به نشانی استان مازندران .....

خواسته‌ها: ۱. مطالبه خسارت دادرسی ۲. الزام به ایفای تعهد (مالی) مبنی بر... ۳. الزام به ایفای تعهد (مالی)

مبنی بر... ۴. الزام به ایفای تعهد (مالی) مبنی بر... ۵. الزام به ایفای تعهد (مالی) مبنی بر...

گردش کار:

با عنایت به محتویات پرونده ملاحظه می‌گردد خواهان دادخواست به خواسته مندرج در ذیل به طرفیت خوانده دعوی تقدیم نموده است که پرونده به این شعبه دادگاه ارجاع و حالیه تحت نظر است.

با عنایت جمیع اوراق و محتویات پرونده ضمن اعلام ختم دادرسی به شرح آتی و با استعانت از خداوند متعال مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

### «رأی دادگاه»

در خصوص دادخواست شرکت ..... با وکالت ..... به طرفیت شرکت ..... به خواسته الزام به ایفای تعهد مالی مبنی بر الزام خوانده به انجام تعهدات مندرج در توافقنامه مورخ ۹۴/۱۱/۶ مبنی بر تحویل مقدار ۲۱۰۰۰ متر پارچه خام فیلامنت و عرض ۲ متر موضوع بند ۱ و ۳ توافقنامه مذکور و پرداخت خسارت تأخیر تأدیه تا زمان صدور حکم و اجرای آن و خسارت و هزینه دادرسی مقوم به ۲۰۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال و الزام به ایفای تعهد مالی مبنی بر الزام خوانده به انجام تعهدات مندرج در توافقنامه مورخ ۹۴/۱۱/۶ مبنی بر تحویل مقدار ۲۸۵۰ کیلوگرم نخ فیلامنت ۱۵۰ موضوع بند ۳ توافقنامه مقوم به ۲۰۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال و الزام به ایفای تعهد مالی مبنی بر الزام خوانده به انجام تعهدات مندرج در توافقنامه مورخ ۹۴/۱۱/۶ مبنی بر تحویل نخ پنبه موضوع بند ۵ توافقنامه مذکور مقوم به ۲۰۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال و الزام به ایفای تعهد مالی مبنی بر الزام خوانده به انجام تعهدات مندرج در توافقنامه مورخ ۹۴/۱۱/۶ مبنی بر پرداخت حق بیمه پرداختی موکل موضوع ماده ۳۸ از قانون تأمین اجتماعی مقوم به ۲۰۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال و مطالبه خسارت دادرسی را تقدیم دادگاه داشته است لکن در جلسه دادرسی تشکیل مورخ ۹۹/۱۱/۱۱ دادخواست را نظر به ایرادات مطروحه مسترد داشته‌اند و این دادگاه پس از احراز اختیار وکیل خواهان مستنداً به بند ب ماده ۱۰۷ از قانون آیین دادرسی مدنی با نظر به مراتب فوق مبادرت به صدور قرار رد دعوی می‌نماید. قرار صادره حضوری تلقی و ظرف مدت بیست روز قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان تهران است.

دادرس شعبه ۱۴۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران - امیررضا دهقانی‌نیا